فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)، دوره ۱۸، شماره ۲، زمستان ۱۴۰۲، صفحات ۳۰۰-۲۷۹

تحلیل ارتباط بین گرایش هویت ملی با سرمایه فرهنگی در بین شهروندان شهر رشت

دکتر سید موسی رئیسی[۱]

تاریخ وصول: ۱۴۰۲/۲/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۹/۱۱

چکیده:

شهر رشت به‌عنوان یکی از شهرهای مهم شمال ایران، با ویژگی‌های فرهنگی غنی و همزمان، تحت تأثیر پویایی‌های مدرنیزاسیون و جهانی شدن قرار دارد. با توجه به اهمیت بحث از سرمایه فرهنگی، پژوهش حاضر با استفاده از روش میدانی، تکنیک پیمایش و ابزار تحقیق پرسشنامه به دنبال پاسخ به این سؤال اصلی می‌باشد که آیا بین گرایش به هویت ملی و سرمایه فرهنگی در شهر رشت ارتباط وجود دارد؟ جامعه آماری پژوهش حاضر تمامی شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر رشت می‌باشد که تعداد ۳۸۴ نفر از آنها به‌عنوان حجم نمونه مورد بررسی قرار گرفته و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزارهای SPSS و معادلات ساختاری Smart PLS استفاده شده است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که بین گرایش به هویت ملی (P= ۰/۳۴) و شاخص‌های آن یعنی هویت سیاسی (P= ۰/۳۸)، هویت سرزمینی (P= ۰/۳۲)، هویت فرهنگی (P= ۰/۲۸)، هویت تاریخی (P= ۰/۲۳) و هویت دینی (P= ۰/۴۳)، با سرمایه فرهنگی در بین شهروندان ارتباط مثبت و مستقیم و معنادار وجود دارد. بنابراین تمامی فرضیه‌های پژوهش تأیید می‌شوند. همچنین نتایج حاصل از مدل معادله ساختاری (Smart PLS) نیز نشان می‌دهد که گرایش به هویت ملی بر سرمایه فرهنگی تأثیر متوسط داشته (۰/۴۵) و متغیر هویت ملی در مجموع (۰/۲۱) از واریانس متغیر سرمایه فرهنگی را تبیین می‌کند.

مفاهیم کلیدی: *هویت، هویت ملی، سرمایه فرهنگی، شهر رشت*

---

[۱] گروه آموزشی علوم انسانی، دانشگاه فنی و حرفه‌ای، تهران، ایران smraeisi@tvu.ac.ir

مقدمه و بیان مسأله

در جهان امروز که شبکه‌های ارتباطی مرزها را کم‌رنگ کرده‌اند، مفهوم هویت ملی به‌عنوان یک لایه پیوندی حیاتی برای حفظ انسجام اجتماعی در جوامع چندپاره اهمیت پیدا می‌کند. هویت ملی، چارچوبی مشترک از نمادها، ارزش‌ها و روایت‌های تاریخی را فراهم می‌آورد که شهروندان یک سرزمین را فراتر از تعلقات خردتر (مانند قومیت، مذهب یا طبقه) به یکدیگر متصل می‌سازد. شهر رشت، با سابقه فرهنگی غنی و تمدن گیلکی خود، نمونه‌ای برجسته از شهری است که در آن این لایه‌های هویتی به‌طور مستمر با یکدیگر تعامل دارند. از یک‌سو، تمسک به هویت ملی می‌تواند زمینه‌ساز احساس تعلق و تعهد به ساختارهای کلان‌تر سیاسی و اجتماعی باشد، اما از سوی دیگر، این هویت نیازمند بستری برای تجلی و تحقق است. این بستر تحقق، اغلب از طریق سرمایه فرهنگی افراد فراهم می‌شود. سرمایه فرهنگی، که توسط بوردیو معرفی شد، شامل دانش‌ها، مهارت‌ها، تحصیلات، و مهم‌تر از آن، تمایلات فرهنگی است که در طول زمان درونی شده و در ساختارهای اجتماعی به رسمیت شناخته می‌شود. شهروندان دارای سرمایه فرهنگی بالا، اغلب با زبان، نمادها، تاریخ و هنرهای رسمی کشور که بنیان‌های هویت ملی را تشکیل می‌دهند، آشنایی عمیق‌تری دارند. بنابراین، این فرضیه قوی شکل می‌گیرد که بین گرایش افراد به تأکید بر هویت ملی خود و میزان سرمایه فرهنگی که کسب کرده‌اند، یک رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. مسئله اصلی پژوهش در اینجاست که این ارتباط در شهر رشت چگونه تفسیر می‌شود؟ آیا شهروندان رشت که ممکن است تعلقات فرهنگی قوی محلی نیز داشته باشند، سرمایه فرهنگی خود را بیشتر در خدمت تقویت نمادهای ملی می‌بینند یا سرمایه فرهنگی آن‌ها بیشتر صرف حفظ و بازتولید مؤلفه‌های خاص فرهنگی گیلکی می‌شود که ممکن است در تعارض با برخی تجلیات هویت ملی تلقی شوند؟ به‌عبارت دیگر، آیا «گرایش به هویت ملی» به‌عنوان یک سبک زندگی یا نگرش، نیازمند نوع خاصی از «سرمایه فرهنگی» (مانند دانش تاریخی رسمی یا مهارت‌های زبانی استاندارد) است تا به‌طور پایدار در شهروندان رشت شکل بگیرد؟ موضوع پژوهش در پی آن است که دریابد چگونه گرایش به هویت ملی شهروندان شهر رشت با میزان سرمایه فرهنگی آن‌ها در ارتباط است. این تحقیق در بستر شهری مانند رشت تعریف می‌شود که به دلیل داشتن میراث غنی گیلکی، فضایی پیچیده از تلاقی هویت‌های قومی و ملی را ایجاد می‌کند. هدف اصلی فراتر رفتن از صرف توصیف این هویت‌هاست و تمرکز بر این است که آیا سرمایه فرهنگی که فرد در طول زندگی خود کسب کرده است (شامل تحصیلات، دانش ادبیات، هنر و

سلیقه‌های پذیرفته‌شده در جامعه بزرگ‌تر)، به‌عنوان یک واسطه عمل کرده و در شکل‌دهی یا تقویت التزام فرد به هویت ملی مؤثر است یا خیر.

بیان مسأله در این پژوهش متکی بر این فرض اساسی است که هویت ملی، برخلاف برخی تعاریف ساده‌انگارانه، یک ساختار منفعل نیست، بلکه نیازمند تولید و بازتولید فعالانه از طریق ابزارهایی است که یکی از قوی‌ترین آن‌ها سرمایه فرهنگی است. شهروندانی که از نظر بوردیویی دارای سرمایه فرهنگی بالاتری هستند، دسترسی بیشتری به نمادها، زبان رسمی، و روایت‌های تاریخی مشترک دارند که سنگ بنای هویت ملی را تشکیل می‌دهند. بنابراین، انتظار می‌رود در شهر رشت نیز، هر چه میزان این سرمایه درونی شده و نهادینه شده بیشتر باشد، شهروندان تمایل بیشتری به ابراز و تأیید هویت ملی نشان دهند. خلأ اصلی که این پژوهش قصد پر کردن آن را دارد، نبود شواهد کمی و تحلیلی مستقیمی است که این همبستگی را در شرایط خاص فرهنگی ـ اجتماعی رشت، به‌طور مشخص میان این دو متغیر کلیدی، مورد سنجش قرار داده باشد و مشخص کند آیا این رابطه به قدری قوی است که بتواند به‌عنوان یک اهرم برای تقویت همبستگی در بافت‌های چندلایه هویتی مورد استفاده قرار گیرد. هدف کلی این پژوهش، تعیین و تحلیل میزان و جهت ارتباط بین میزان گرایش شهروندان شهر رشت به هویت ملی با سطح سرمایه فرهنگی اکتسابی آن‌ها است. برای دستیابی به هدف کلی، اهداف فرعی زیر تعریف می‌شوند که هر یک به جنبه خاصی از این رابطه می‌پردازند:

- سنجش سطح گرایش به هویت ملی: تعیین سطح فعلی گرایش شهروندان رشت به مؤلفه‌های بنیادین هویت ملی (مانند تعلقات تاریخی، فرهنگی و نمادهای رسمی).

- برآورد سطح سرمایه فرهنگی: اندازه‌گیری میزان سرمایه فرهنگی شهروندان رشت در ابعاد مختلف، به‌ویژه شکل درونی شده آن (دانش‌ها و مهارت‌های فرهنگی مورد نیاز برای تفسیر نمادهای ملی).

پیشینه پژوهش

الف) تحقیقات داخلی

حیدری ساربان (۱۳۹۷)، پژوهشی را با عنوان «تحلیل عوامل بهبودِ احساس عدالت اجتماعی (موردشناسی: شهرستان اردبیل)» به انجام رساند. جامعه آماری موردِ مطالعه در این پژوهش، شامل کل روستاییانی است که در مناطق روستایی شهرستان اردبیل بالای ۱۵ سال سکونت دارند که از این میان تعداد ۳۸۳ نفر با استفاده از فرمول کوکران به‌عنوان نمونه آماری

انتخاب شدند. نتایج نشان داد، مهم‌ترین عوامل بهبود احساس عدالت اجتماعی از دیدگاه روستاییان در منطقه موردِ مطالعه، شامل هفت مؤلفه (بازتوزیع درآمد و تقویت نظام حمایتی، سهولت دسترسی به منابع و امکانات و حمایت روان‌شناختی روستاییان، توسعه اجتماعی و عدالت فضایی و تقویت زیرساخت‌ها) است که مقدار واریانس و واریانس تجمعی تبیین شده به وسیله این چهار عامل، ۷۲/۷۳ می‌باشد.

قاسمی و دیگران (۱۳۹۴)، پژوهشی را با عنوان «بررسی رابطه احساس سرمایه فرهنگی بر هویت ملی جوانان قوم کرد؛ (نمونه‌ی موردی: شهر قروه)» به انجام رساندند. بررسی‌ها نشان داد که بین احساس عدالت شهروندان و هویت ملی آنان همبستگی معناداری به میزان ۰/۴۹ وجود دارد و هر چه سرمایه فرهنگی بیشتر باشد، هویت ملی شهروندان بالاتر است.

- نوایی و دیگران (۱۳۹۲)، پژوهشی را با عنوان « سرمایه فرهنگی و عوامل اجتماعی مرتبط با آن» به انجام رساندند. یافته‌ها نشان می‌دهد که میانگین سرمایه فرهنگی در بین پاسخگویان ۱۰/۷۹۶ بود که بیشتر از حد متوسط شاخص (۸/۳۳۵) است. بین سرمایه فرهنگی و پایگاه اجتماعی ـ اقتصادی افراد، بین احساس محرومیت نسبی و میزان سرمایه فرهنگی جهت‌گیری ارزشی افراد و میزان سرمایه فرهنگی رابطه وجود دارد. بین احساس سرمایه فرهنگی عزت نفس هم بستگی ضعیفی به دست آمد.

هزارجریبی (۱۳۹۰)، پژوهشی را با عنوان «بررسی احساس و سرمایه فرهنگی عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی: شهر رشت)» به انجام رساند. جامعه آماری تحقیق شامل سه شهروندان منطقه ۳، ۱۰و ۱۸ رشت است. یافته‌ها نشان می‌دهد که متغیرهای «اعتماد به کارایی مسئولین (با ضریب۰/۵۷)، دینداری (با ضریب۰/۲۰)، مقایسه خود با دیگران (با ضریب ۰/۱۶)، احساس امنیت (با ضریب ۰/۱۰)» دارای تأثیر افزاینده بر میزان احساس عدالت در بین افراد می‌باشند، و اما متغیرهای احساس بیگانگی (با ضریب (نیز با ضریب ۰۹ /۰-) و منطقه مسکونی (نیز با ضریب ۰۹ /۰-)» دارای تأثیر کاهنده بر میزان احساس عدالت می‌باشند.

نوابخش و گراوند (۱۳۹۰)، پژوهشی را با عنوان «بررسی تأثیر احساس عدالت اجتماعی بر هویت ملی شهروندان سنی و شیعه مذهب قوم کُرد (نمونه موردی شهر قروه)» به انجام رساندند. در این پژوهش ۱۵۱ نفر شهروندان کُرد شیعه مذهب و ۱۴۸ نفر شهروندان کُرد سنی مذهب شرکت داشتند. نتایج نشان داد که هر چقدر احساس عدالت اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و زبانی شهروندان بالاتر باشد، هویت ملی آنان قوی‌تر است.

ب) تحقیقات خارجی

Fabala & et. al (2017)، در پژوهش خویش به بررسی عوامل پیش‌بینی کننده هویت ملی و هویت اجتماعی از طریق مطالعه ارتباط بین هویت ملی و هویت اجتماعی آمریکایی‌های فیلیپینی تبار و در رابطه با اداراک آنها از میزان احساس عدالت اجتماعی می-پردازد. داده‌های تحقیق از ۱۷۹ فرد بزرگسال آمریکایی فیلیپینی تبار گردآوری شد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که احساس عدالت اجتماعی باعث بالا رفتن هویت اجتماعی می‌شود.

Furman (2016)، نشان داد که احساس برخورداری از منابع اطلاعاتی و دانش همگانی، احساس برخورداری از خدمات اجتماعی به‌صورت عادلانه، احساس پذیرش اجتماعی، احساس برخورداری از حمایت دولت در مواقع بحران و یا خشکسالی و سیاست ها و برنامه-های ساماندهی جوامع روستایی از متغیّرهای تأثیرگذار در بهبود احساس عدالت اجتماعی در مناطق روستایی محسوب می‌شود.

Amber (2016)، در مطالعه‌ای تحت عنوان درک هویت در قرن بیست و یکم: چالش پیش روی جوانان اماراتی، به فرایند شکل‌گیری هویت فرهنگی در کشور امارات پرداخته است. نتایج این مقاله نشان داد که از میان فاکتو های مهم تشکیل‌دهنده هویت فرهنگی برای ۹۰ درصد پاسخ‌دهندگان، مذهب بسیار مهم بوده است؛ همین‌طور به ترتیب زبان ۸۶/۵ درصد، ارزش‌های فرهنگی ۷۷/۱ درصد، اصل و نسب ۷۴/۴ درصد. از طرف دیگر ازدواج با ۶۲/۴ درصد کمترین اهمیت را برای پاسخ‌دهندگان داشته است.

Wilson (2015)، بین عدالت آموزشی، احساس پذیرش اجتماعی احساس بهزیستی اجتماعی و احساس گرایش به هویت ملی و بهبود احساس عدالت اجتماعی همبستگی وجود دارد.

Sorek et. al, (2009)، در تحقیقی با عنوان «دینداری، هویت ملی و حقانیت»، رابطه بین دینداری و هویت ملی را با نمونه موردی اسرائیل و مقایسه آن با دیگر کشورها بررسی می‌کند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که اسرائیلی‌های یهودی سکولار به‌طور معناداری کمتر از دیگر اسرائیلی‌ها به ابعاد ملی افتخار می‌کردند.

Lohm (2006)، تحقیقی درباره هویت ملی در بین جوانان حومه شهر ملبورن استرالیا انجام داده است. در این پژوهش وی به دنبال شناخت عوامل تقویت‌کننده هویت ملی در استرالیا بوده است و دریافت که تلاش دولت در حمایت از گروه‌های ملی مهاجر و همچنین نقش والدین در انتقال ارزش‌های فرهنگی و ملی استرالیا، تأثیر مثبتی در تقویت هویت جوانان مورد مطالعه داشته است.

Pahaka (2001)، در تحقیقی با عنوان «آزمون تئوری عدالت جهانی راولز» این تئوری را در میان دانشجویان ۷ کشور جهان بررسی کرد. آنچه از این تحقیق به‌دست آمد، ارتباط ت نگاتنگ فرهنگ هر کشور و حقوق وقوانین پذیرفته شده آن‌ها بود. نتیجه این تحقیق، فرض حاکمیت حقوق لیبرال و پذیرش آن بر اساس اصل قراردادگرایی در عرصه بین‌المللی را زیر سؤال برد.

مبانی نظری پژوهش

نظریه‌های هویت ملی

Emile Durkheim پس از تقسیم جوامع به ابتدایی ساده و صنعتی پیچیده موضوع پیدایش تقسیم کار و رواج تخصص و رشد هویت فردی را مطرح می‌نماید و در کنار این پدیده‌ها از پیدایش نوعی همبستگی که وی آن را همبستگی ارگانیکی در مقابل همبستگی مکانیکی یاد می‌کند. این نوع همبستگی در نظر وی موجب نوعی یگانگی اجتماعی ناشی از تفاوت‌پذیری است. وی در لابلای این نوع یگانگی به وجود آمده، به دنبال یک نوع وفاق اخلاقی است، وفاقی که فرد را نسبت به جامعه یا دولت وفادار سازد (*Alaghehband, 2013:41; Sabagh & Shalforoush Shotorbani, 2010:73-74*)؛ لذا در چنین جامعه‌ای سطح هویت جمعی اعتلاء می‌یابد.

Max Weber در تیپولوژی جریان سلطه و اقتدار در طول تاریخ جوامع، پس از بیان ویژگی‌های دوره کاریزماتیک و سنتی و عقلانی و سازمان اجتماعی متناسب با آن، از سه نوع شخصیت اجتماعی: فره‌مند، فرهیخته و خبره یا متخصص که با سه نوع اقتدار موصوف قابل انطباق‌اند بحث می‌نماید. وی پس از مقایسه این دو جامعه به رشد عقلانیت ابزاری و کنش‌های عقلانی مبتنی بر ضوابط عام و اعتلای سطح هویت جمعی اشاره می‌کند. وبر ویژگی منحصر به فرد دنیای نوین را رشد فزاینده‌ی عقلانیت به خصوص عقلانیت ابزاری می‌داند که به تبع آن هویت‌ها نیز اعتلا می‌یابند و از حالت سنتی و عاطفی به هویت‌های عقلایی تبدیل می‌شود (*Abdollahi, 2016:123*).

Castells هویت سرچشمه معنا و تجربه برای مردم است [...] اصطلاح هویت در صورتی که سخن از کنشگران اجتماعی باشد، عبارت است از فرایند معناسازی بر اساس یک ویژگی فرهنگی یا مجموعه به هم پیوسته‌ای از ویژگی‌های فرهنگی که بر منابع معنائی دیگر اولویت داده می‌شوند. هویت منبع معنا برای خود کنشگران است و به دست خود آنها از رهگذر فرایند فردیت بخشیدن، ساخته می‌شود. با این حال ممکن است هویت‌ها از نهادهای مسلط نیز ناشی

شوند، اما حتی در این صورت نیز فقط هنگامی هویت خواهند بود که کنشگران اجتماعی آنها را درونی کنند و معنای آن را حول این درونی‌سازی بیافرینند (*Castells, 2011: 22-23*).کاستلز معتقد است که ساختن اجتماعی هویت همواره در بستر روابط قدرت صورت می پذیرد و بین سه صورت و منشأ هویت تمایز قائل می شود: هویت مشروعیت بخش، هویت مقاومت، هویت برنامه دار (*Ibid*).

از نظر *Guibernau* هویت ملی عبارتست از ویژگی‌هایی که ابعاد پنج گانه ملت در هر جامعه ی خاص به خود می‌گیرد. مثلاً، بعد روانشناختی مخصوص یک ملت، فرهنگ و آداب و رسوم متمایز از فرهنگ ملل دیگر، سرزمین و قلمرو مخصوص یک ملت و نظام سیاسی و اتفاقات تاریخی یک ملت که هویت ملی آن ملت را تشکیل می دهند (*Guibernau, 2019:81*).

به نظر *Anthony Giddens* هویت عبارت است از خود آنطوری که شخص از خودش تعریف می‌کند. انسان از طریق کنش متقابل با دیگران است که هویتش را ایجاد می‌کند و در جریان زندگی پیوسته آن را تغییر می‌دهد؛ هویت امر پایداری نیست، بلکه یک پدیده پویا و سیال و همواره در حال ایجاد شدن و عوض شدن می‌باشد (*Giddens, 2016:81*)؛ وی می-گوید «نیروی اساسی اغلب کنش‌ها (در جامعه جدید) مجموعه‌ای ناآگاهانه برای کسب احساس اعتماد در کنش متقابل با دیگران است» به اعتقاد او، یکی از نیروهای پراکنده و موتور حرکتی کنش نیاز به رسیدن به امنیت هستی شناختی (یا حس اعتماد) است. چون انسان‌ها میل دارند در روابط اجتماعی از میزان اضطراب خود بکاهند، این فرایند ناآگاهانه قبل از مکانیزم زبان‌آموزی و آگاهی قطعی بوجود می‌آید و منشأ کنش است و به همین دلیل سیال و پویاست (*Iman & Kizghan, 2013:87*).

گیدنز در تحلیل خود از هویت ملی، به پدیده جهانی‌شدن می پردازد و معتقد است که وی جهانی شدن به اضمحلال فرهنگ‌های بومی و ملی نمی‌انجامد بلکه برعکس به دلیل کاهش قدرت دولت‌های ملی و کنترل آنها بر فرهنگ‌های ملی، هویت‌های فرهنگی ملی و بومی جدیدی شکل می‌گیرد. گیدنز گفته است که گاهی برای نشان دادن هویت خاصی، بدن و اعمال خود را جوری تنظیم می‌کنیم و کنش‌هایی انجام می‌دهیم که تفسیر آنها در نظر دیگران، آن‌طوری که ما می‌خواهیم باشد. در دنیای مدرن، این رفتارها و کنش‌ها تحت تأثیر محیطی است که در آن قرار می‌گیریم و باید این آمادگی را داشته باشیم که رفتار و کنش‌های خود را با محیط سازگار کنیم (*Giddens, 2016:144-145*).

Pierre Bourdieu با نقد دیدگاه های تقلیل‌گرایانه، کنش یا کردار انسان را با ترکیبی از عوامل سطح خرد و کلان تبیین می‌کند. وی، در سطح کلان به ساختارها یا حوزه‌های تعاملاتی اشاره دارد که هرکس بر حسب میزان سرمایه کلی (مجموع دو نوع سرمایه اقتصادی و فرهنگی) و بر اساس ساختار سرمایه (برحسب وزن نسبی انواع مختلف سرمایه اقتصادی و فرهنگی که در مجموع کل دارایی دارد)، در میدان اجتماعی توزیع و جایگاه و پایگاه اجتماعی پیدا می‌کند و در جوار کسانی جای می‌گیرد که از لحاظ سرمایه کلی با او مشابه هستند. افراد دارای پایگاه مشابه و تعاملات مشترک از عادت‌واره و الگوی کنشی نسبتاً همسو و هماهنگی برخوردارند. بوردیو، در خلال بحث از عادت واره و تفکیک و تقسیم‌بندی آن به عادت‌واره فردی و طبقه‌ای، موضوع هویت فردی و جمعی (مانند هویت ملی) را نیز مورد توجه قرار داده است. عادت‌واره فردی، از فردیت ارگانیک و ادراکات بلافصل شخص و هویت فردی جدایی ناپذیر است و عادت‌واره طبقه‌ای که از موقعیت اجتماعی ـ اقتصادی و جایگاه عاملان اجتماعی در ساختارها ومیدان‌های تعاملاتی نشأت می‌گیرد، هویت‌های جمعی مشترک را پدید می‌آورد. عادت‌واره طبقه‌ای، در سبک زندگی افراد متعلق به گروه‌ها و طبقات مختلف به گونه‌ای نمود می‌یابد که از سائقه غذایی تا سلایق زیبایی‌شناختی و نگرش‌های سیاسی آنها را جهت می‌بخشد. *Tajfel* هویت را عبارت از یک «خود» مفهومی ناشی از عضویت درون‌گروهی در یگ گروه اجتماعی همراه با احساسات، ارزش‌ها و تماس‌های عاطفی با دیگر اعضا که این احساس باعث تعلق فرد به گروه شده و همچنین موجب می‌شود که خود را در دسته‌بندی‌های اجتماعی وابسته به گروه خود، معرفی کند. بر طبق دیدگاه تاجفل آن بخشی از هویت ما که نشأت گرفته از گروهی است که به آن تعلق داریم (درون گروه) و به وسیله مقایسه و ترجیح افراد گروه خود نسبت به کسانی که در خارج از گروه هستند (برون گروه) شکل می‌گیرد. در مواقعی که هویت فرد رضایت بخش نیست، افراد سعی خواهند کرد که یا گروه فعلی خود را ترک کرده و به گروه دیگری که در وضعیت مثبت‌تری قرار دارد ملحق شوند و یا این که در وضعیت گروه خود بهبود حاصل کنند (*Chalabi, 2016:226*). در واقع «خود» نسبت به محیط واکنش نشان می‌دهد، در یک وضعیت ممکن است که ملیت در درجه اول اهمیت باشد اما در وضعیت دیگر ممکن است ملیت یا نژاد مورد توجه باشد یا در وضعیت دیگر دین مطرح باشد؛ بنابراین مفهوم «خود» از این هویت‌ها شکل می‌گیرد و همواره متناسب با شرایط و موقعیت‌ها تغییر می‌یابد (*Sabagh & Shalforoush Shotorbani, 2020:77-78*).

Richard Jenkins معتقد است هویت دستاوردی عملی، یعنی یک فرایند است که می‌توان آن را با به کار گرفتن کنش متقابل درونی و برونی فهم کرد. از نظر جنکینز هویت-های اولیه مانند: خویشتنی، انسان بودن، جنسیت، خویشاوندی و ملیت و ... در قیاس با سایر هویت‌های جمعی از استحکام بیشتری برخوردار هستند، همچنین گروه خویشاوندی منبعی آشکار برای هویت کنشگر اجتماعی است که از استحکام بالایی برخوردار است. زمان و مکان نیز به‌عنوان منابع ساخته شدن هویت در صحنه اجتماع دارای اهمیّت کانونی هستند، چرا که شناسایی یک چیز به معنای آن است که آن را در زمان و مکان جای دهیم. نهادها به‌عنوان الگوهای جاافتاده عمل و همچنین سازمان‌ها به‌عنوان نمود رده‌بندی‌های اجتماعی، از جمله حیطه‌های مهمی هستند که در چارچوب آنها تعیین هویت اهمیت پیدا می‌کند. هویت‌های اجتماعی توسط اشخاص کسب و مطالبه می‌شوند و در چارچوب مناسبت‌های قدرت به آنها تخصیص داده می شوند (*Jenkins, 2012:36-42*).

جنکینز معتقد است که اعتماد بنیادین، نقش مهمی در نحوه تشکیل هویت افراد داشته و به آنان امکان می‌دهد تا در رویارویی با رویدادهای ناگوار زندگی اجتماعی، با تکیه بر شاخص اعتماد به نفس ـ که آن هم از اعتماد بنیادی سرچشمه می‌گیرد ـ امیدواری و شهامت خود را حفظ کرده و به نوعی از امنیت وجودی و خوش بینی و اعتماد نسبت به دیگران دست یابند (*Jenkins, 2012:40-44*).

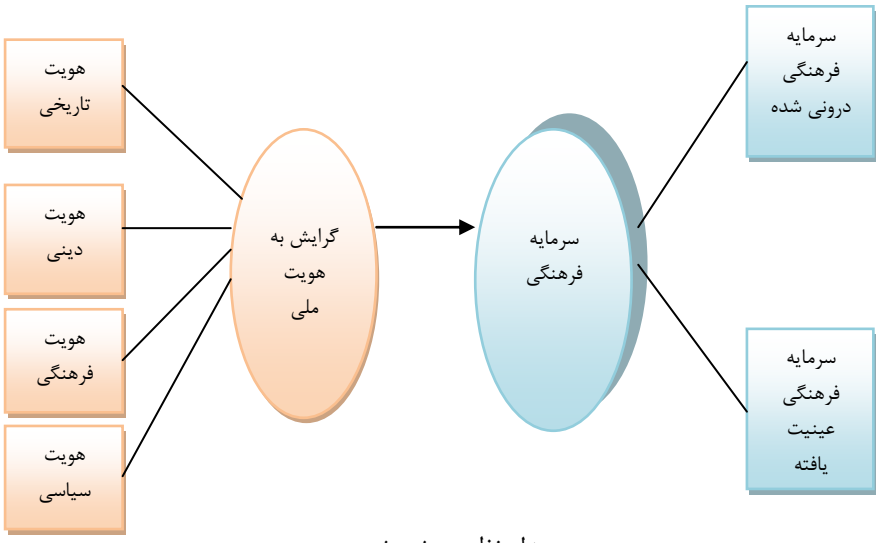
فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اصلی

- بین گرایش به هویت ملی و سرمایه فرهنگی در بین شهروندان شهر رشت ارتباط وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی

- بین هویت تاریخی و سرمایه فرهنگی شهروندان شهر رشت ارتباط وجود دارد.
- بین هویت سرزمینی و سرمایه فرهنگی شهروندان شهر رشت ارتباط وجود دارد.
- بین هویت دینی و سرمایه فرهنگی شهروندان شهر رشت ارتباط وجود دارد.
- بین هویت فرهنگی و سرمایه فرهنگی شهروندان شهر رشت ارتباط وجود دارد.
- بین هویت سیاسی و سرمایه فرهنگی شهروندان شهر رشت ارتباط وجود دارد.



مدل نظری پژوهش

Theoretical Research Model

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضراز نظر نوع هدف یک بررسی کاربردی، از نظر وسعت پهنان‌گر، از نظر دامنه خرد و از نظر زمانی یک بررسی مقطعی می‌باشد. تحقیق حاضر بر اساس نوع داده‌های جمع‌آوری و تحلیل شده، تحقیقی کمی است و از لحاظ نوع برخورد با مسأله مورد بررسی و ورود به آن مطالعه‌ای میدانی است. تکنیک مورد استفاده در این پژوهش پیمایش می‌باشد. در مطالعه میدانی، برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. پیش از آغاز پیمایش، پرسشنامه ابتدایی مورد آزمون اولیه قرار گرفت و با استفاده از نتایج به‌دست آمده، نقایص موجود برطرف و پرسشنامه نهایی تنظیم شد.

جامعه آماری پژوهش حاضر، شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر رشت می‌باشد. بر طبق سرشماری سال ۱۴۰۴ جمعیت شهر رشت ۸۲۵۳۴۶ نفر می‌باشد و جمعیت شهروندان ۱۸ سال به بالای آن به‌عنوان جامعه آماری پژوهش حاضر حدود ۴۲۰ هزار نفر است. از آنجا که به‌طور طبیعی امکان مطالعه دیدگاه‌های تمامی ساکنان وجود نداشت از شیوه نمونه‌گیری برای تبیین نظریات افراد مورد مطالعه استفاده شده است و بر اساس فورمول کوکران تعدادی از افراد (۳۸۴ نفر) که معرف جامعه آماری تشخیص داده شدند به‌عنوان نمونه انتخاب و مطالعه شده است.

$$n=\frac{\frac{(1/96)^2\times(0/5)(0/5)}{(0/05)^2}}{1+\frac{1}{65000}\left(\frac{(1/96)\times(0/5)(0/5)}{(0/05)^2}-1\right)}=382$$

$$N=420000 \quad t=1/96 \quad P=0/5 \qquad Q=0/5 \qquad d=0/05$$

$$n=\frac{\frac{(1/96)^2\times(0/5)(0/5)}{(0/05)^2}}{1+\frac{1}{420000}\left(\frac{(1/96)\times(0/5)(0/5)}{(0/05)^2}-1\right)}=384$$

روش نمونه‌گیری در این پژوهش شیوه نمونه‌گیری دو مرحله‌ای با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای و سپس نمونه‌گیری تصادفی ساده می‌باشد. پس از گردآوری داده‌ها تجزیه و تحلیل آن‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری *SPSS* و *Smart PLS* انجام گردید و در این رابطه برای آزمون فرضیات، تست‌های آماری متناسب با هر فرضیه بکار گرفته شد. در این رابطه جهت اطمینان از اعتبار لازم به مشاوره و بهره‌گیری از نظرات اساتید و کارشناسان مربوطه و همچنین از آزمون آلفای کرونباخ جهت پایایی پرسشنامه اقدام شده است و بر اساس ضریب آلفا ضریب پایایی تمامی متغیرها بالاتر از ۰/۷ می‌باشد.

جدول ۱: پایایی پرسشنامه نهایی بر اساس ضریب آلفای کرونباخ

Table 1: *Reliability of the Final Questionnaire Based on Cronbach's Alpha Coefficient*

متغیر	شاخص	ضریب آلفا
Variable	*Indicator*	*Alpha Coefficient*
هویت ملی	هویت سیاسی	۰/۸۵۲
	هویت دینی	۰/۷۹۳
	هویت فرهنگی	۰/۸۴۲
	هویت تاریخی	۰/۷۲۱
	هویت سرزمینی	۰/۷۲۵
سرمایه فرهنگی	سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته	۰/۸۲۵
	سرمایه فرهنگی درونی شده	۰/۸۱۴

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

سرمایه فرهنگی

تعریف مفهومی: سرمایه فرهنگی، بر اساس نظریه پیر بوردیو، مجموعه‌ای از دانش، مهارت‌ها، سبک زندگی و صلاحیت‌های فرهنگی است که فرد در طول فرایند جامعه‌پذیری (به‌ویژه در خانواده و نظام آموزشی) کسب می‌کند و به او در جامعه امتیاز یا جایگاه اجتماعی می‌دهد. این سرمایه نه تنها در قالب دستاوردها (مانند مدارک تحصیلی) بلکه به صورت نهادینه شده در وجود فرد درونی شده نیز وجود دارد و نحوه درک، تفسیر و تولید فرهنگی فرد را شکل می‌دهد. این سرمایه به فرد کمک می‌کند تا از نمادها، زبان و قواعد بازی فرهنگی طبقات فرادست آگاه باشد و آن‌ها را به کار گیرد.

تعریف عملیاتی: در این پژوهش، سرمایه فرهنگی به‌عنوان یک متغیر مستقل مرکب تعریف می‌شود که از طریق مجموع نمرات حاصل از سه بعد اصلی آن اندازه‌گیری خواهد شد.

هویت ملی

تعریف مفهومی: هویت ملی نوعی احساس پایبندی، دلبستگی و تعهد به اجتماع ملی است که موجب وحدت و انسجام جامعه است و بخشی از هویت فرد را تشکیل می دهد (*Razazifar, 2000:106*).

تعریف عملیاتی: در پژوهش حاضر هویت ملی با شاخص‌های هویت سیاسی، هویت سرزمینی، هویت فرهنگی، هویت تاریخی و هویت دینی مورد بررسی قرار گرفته شده است.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

نتایج فراوانی متغیر جنس نشان می‌دهد که ۵۴/۱۶ درصد افراد مورد مطالعه زن و ۴۵/۸۴ درصد دیگر را مرد تشکیل داده‌اند. نتایج فراوانی متغیر وضعیت تأهل نشان می‌دهد که ۵۹/۹۰ درصد افراد مورد مطالعه متأهل و ۴۰/۱۰ درصد دیگر مجرد می‌باشند. نتایج فراوانی متغیر تحصیلات نیز نشان می‌دهد که میزان ۰/۲۳ از پاسخگویان دارای سواد زیر دیپلم و دیپلم، ۰/۲۸ پاسخگویان دارای مدرک کاردانی، ۰/۴۰پاسخگویان دارای مدرک کارشناسی و ۰/۹ پاسخگویان نیز دارای مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر می‌باشند؛ همچنین نتایج فراوانی متغیر سن نشان می‌دهد که ۰/۱۶ پاسخگویان ۱۸ تا ۲۰ سال، ۰/۲۱ پاسخگویان ۲۵ تا ۲۹ سال، ۰/۲۱ پاسخگویان ۳۰ تا ۳۵ سال، ۰/۱۵ پاسخگویان ۳۵ تا ۴۰ سال، ۰/۱۶

پاسخگویان ۴۰ تا ۴۹ سال، ۰/۸ پاسخگویان ۵۰ تا ۶۰ سال و ۰/۳ پاسخگویان ۶۰ سال به بالا هستند.

جدول ۲: توزیع پاسخگویان بر حسب هویت ملی و ابعاد آن

***Table 2:** Distribution of Respondents According to National Identity and its Dimensions*

مؤلفه‌های هویت اجتماعی	خیلی کم *Very Low*		کم *Low*		متوسط *Moderate*		زیاد *High*		خیلی زیاد *Very High*		میانگین
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	
هویت تاریخی	۸	۲/۰۸	۱۴	۳/۶۵	۹۵	۲۴/۷۴	۱۴۴	۳۷/۵۰	۱۲۳	۳۲/۰۳	۳/۹۳
هویت فرهنگی	۴۴	۱۱/۴۵	۶۶	۱۷/۱۹	۱۲۱	۳۱/۵۱	۱۱۰	۲۸/۶۵	۴۳	۱۱/۲۰	۳/۱۱
هویت سیاسی	۴۲	۱۰/۹۴	۷۹	۲۰/۵۷	۱۶۴	۴۲/۷۱	۶۹	۱۷/۹۶	۳۰	۷/۸۱	۲/۹۲
هویت دینی	۱۶	۴/۱۶	۳۷	۹/۶۳	۱۲۸	۳۳/۳۳	۱۴۱	۳۶/۷۱	۶۲	۱۶/۱۵	۳/۵۱
هویت سرزمینی	۱۹	۴/۹۵	۵۴	۱۴/۰۶	۱۲۳	۳۲/۰۳	۱۱۰	۲۸/۶۵	۷۸	۲۰/۳۱	۳/۴۵
میزان کل هویت ملی											۳/۳۳

جدول ۲ مربوط به متغیر هویت ملی و مؤلفه‌های آن، نشان می‌دهد که در میان مؤلفه‌های هویت ملی بیشترین میانگین مربوط به هویت تاریخی (۳/۹۳) و کمترین میانگین مربوط به هویت سیاسی (۲/۹۲) می‌باشد. میانگین هویت فرهنگی (۳/۱۱)، هویت دینی (۳/۵۱) و هویت سرزمینی (۳/۴۵) و میانگین کلی هویت ملی نیز (۳/۳۳) می باشد که میزان آن بالاتر از متوسط است.

جدول ۳: توزیع پاسخگویان بر حسب احساس عدالت اجتماعی و ابعاد آن

***Table 3:** Distribution of Respondents According to their Sense of Social Justice and Its Dimensions*

مؤلفه‌های احساس عدالت اجتماعی	خیلی کم *Very Low*		کم *Low*		متوسط *Moderate*		زیاد *High*		خیلی زیاد *Very High*		میانگین
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	
سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته	۲۰	۵/۲۰	۶۳	۱۶/۴۱	۱۶۰	۴۱/۶۶	۹۰	۲۳/۴۴	۵۱	۱۳/۲۸	۳/۲۳
سرمایه فرهنگی درونی شده	۱۳	۳/۳۸	۱۲۱	۳۱/۵۱	۹۷	۲۵/۲۶	۱۰۵	۲۷/۳۵	۴۸	۱۲/۵	۳/۱۴
میزان کل سرمایه فرهنگی											۳/۱۸

جدول ۳ مربوط به متغیر سرمایه‌های فرهنگی و مؤلفه‌های آن، نشان می‌دهد که میانگین سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته (۳/۲۳) و سرمایه فرهنگی درونی شده (۳/۱۴) و میانگین کلی سرمایه‌های فرهنگی نیز (۳/۱۸) می‌باشد که میزان آن کمی بالاتر از متوسط است.

آمار استنباطی

بررسی وضعیت نرمال توزیع داده‌ها

برای استفاده از آزمون‌های پارامتریک، پیش شرط‌هایی وجود دارد که عبارتند از: شرط نرمال بودن داده‌ها. جهت بررسی نرمال بودن عامل‌ها از آزمون تک نمونه‌ای کلموگروف ـ اسمیرنف به قرار زیر استفاده می‌شود.

H_o: داده‌ها از توزیع نرمال برخوردارند.

H_1: داده‌ها از توزیع نرمال برخوردار نیستند.

جدول ۴: آزمون کلموگروف ـ اسمیرنوف برای تعیین نرمال بودن متغیرهای پژوهش

Table 4: *Kolmogorov-Smirnov Test to Determine the Normality of Research Variables*

خرده مقیاس‌ها	هویت تاریخی	هویت فرهنگی	هویت سیاسی	هویت دینی	هویت سرزمینی	سرمایه فرهنگی
شاخص‌ها	*Historical Identity*	*Cultural Identity*	*Political Identity*	*Religious Identity*	*Territorial Identity*	*Cultural Capital*
تعداد	۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴
مقادیر کلموگروف ـ اسمینرف	۲/۷۰	۲/۹۸	۲/۵۴	۳/۰۱	۳/۶۰	۲/۱۲
سطح معناداری (دو دامنه)	۰/۰۸۸	۰/۱۲	۰/۰۹۷	۰/۰۸۳	۰/۱۶	۰/۲۳

با توجه به جدول ۴ می‌توان نتیجه گرفت که چون مقادیر سطح معناداری کلیه متغیرهای پژوهش بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشند پس می‌توان گفت که این عامل نرمال بودن توزیع داده‌ها را می‌رساند و می‌توان در تحلیل فرضیه‌های پژوهش، آزمون‌های پارامتریک را بکار گرفت.

آزمون فرضیه‌ها

- بین گرایش به هویت ملی و ابعاد مختلف آن (هویت تاریخی، هویت فرهنگی، هویت سیاسی، هویت دینی و هویت سرزمینی) با سرمایه فرهنگی ارتباط وجود دارد.

جهت بررسی فرضیه‌های پژوهش مبنی بر ارتباط بین گرایش به هویت ملی و ابعاد مختلف آن (هویت تاریخی، هویت فرهنگی، هویت سیاسی، هویت دینی و هویت سرزمینی) با سرمایه فرهنگی از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. یافته‌ها به شرح جدول زیر می‌باشد.

جدول ۵: همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق

Table 5: *Correlation between Independent and Dependent Variables of the Research*

سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته		شاخص‌ها / نام متغیر	
Objectified Cultural Capital			
ضریب همبستگی	سطح معناداری		
Correlation Coefficient	*Sig.*	*Indicators* / *Variable name*	
۰/۲۳	۰/۰۰۱	هویت تاریخی	گرایش به هویت ملی
۰/۲۸	۰/۰۰۱	هویت فرهنگی	
۰/۳۸	۰/۰۰۰	هویت سیاسی	
۰/۴۳	۰/۰۰۰	هویت دینی	
۰/۳۲	۰/۰۰۰	هویت سرزمینی	
۰/۳۴	۰/۰۰۰	میزان کل هویت ملی	

یافته‌ها حاکی از آن است که بین تمامی ابعاد گرایش به هویت ملی و همچنین میزان کل آن با سرمایه فرهنگی از دیدگاه شهروندان شهر رشت رابطه مثبت و مستقیم و معنادار وجود دارد. در این میان رابطه بین هویت دینی و سرمایه فرهنگی ($P=$ ۰/۴۳) دارای بیشترین ضریب همبستگی و رابطه بین هویت تاریخی و سرمایه فرهنگی دارای کمترین ضریب همبستگی ($P=$۰/۲۳) می‌باشند.

همچنین رابطه بین بعد هویت فرهنگی ($P=$ ۰/۲۸)، هویت جغرافیایی ($P=$ ۰/۳۲) و هویت سیاسی ($P=$ ۰/۳۸) با سرمایه فرهنگی از دیدگاه شهروندان شهر رشت دارای ضریب

همبستگی مثبت و معنادار می باشد. بنابراین می‌توان استدلال کرد که هر چه میزان گرایش به هویت ملی (P= ۰/۳۴) و ابعاد آن بیشتر شود میزان سرمایه فرهنگی بیشتر می‌شود و تمامی فرضیه‌های پژوهش حاضر تأیید می‌شوند.

مدل معادله ساختاری (*Smart PLS*)

به منظور تعیین شدت و جهت بررسی تأثیر ابعاد مختلف گرایش به هویت ملی بر سرمایه فرهنگی شهروندان ساکن در شهر رشت از یک مدل معادله ساختاری بهره گرفته شده است. در این پژوهش با استفاده از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری به آزمون مدل‌های معادله ساختاری پژوهش پرداخته می‌شود. رویکرد در این قسمت، رویکرد دو مرحله‌ای است. بدین معنی که پس از تدوین مدل نظری پژوهش لازم است تا به بحث برآورد مدل یا به‌عبارتی دیگر برآورد پارامترهای آزاد در مدل و تحلیل شاخص‌های جزئی و کلی مدل پرداخت تا مشخص شود که آیا داده‌های تجربی در مجموع حمایت‌کننده مدل نظری تدوین شده هستند یا خیر.

مدل‌سازی معادلات ساختاری به روش حداقل مربعات (*PLS*) برخلاف روش کواریانس محور (نرم‌افزارهایی نظیر *AMOS*، *LISREL* و *EQS*) فاقد شاخص‌های برازش مدل مبتنی بر کای دو جهت بررسی میزان مطابقت مدل نظری با داده‌های گردآوری شده می‌باشد، این امر به ماهیت پیش‌بین محور *PLS* بستگی دارد. بنابراین شاخص‌های برازش که به همراه این رویکرد توسعه یافته‌اند مربوط به بررسی کفایت مدل در پیش‌بینی متغیرهای وابسته می‌شوند؛ مانند شاخص‌های افزونگی[1] و حشو[2] یا شاخص *GOF* می‌باشد. در واقع این شاخص‌ها نشان می‌دهند که برای مدل اندازه‌گیری معرف‌ها تا چه حد توانائی پیش‌بینی سازه زیربنایی خود را دارند و برای مدل ساختاری، متغیرهای برون‌زا تا چه حد و با چه کیفیتی توانائی پیش‌بینی متغیرهای درون‌زا مدل را دارند.

برآوردهای مربوط به شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل ساختاری و پارامترهای اصلی این مدل (اثر متغیر هویت ملی بر سرمایه فرهنگی) در شکل و جداول زیر گزارش شده است:

[1] Communality
[2] Redundancy

جدول ۶: برآورد شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری

Table 6: *Estimation of Overall Evaluation Indicators of the Structural Equation Model*

شاخص	*GOF*	*SRMR*	*NFI*
مقدار	۰/۸۰	۰/۰۸۵	۰/۹۲

شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری در مجموع بیانگر این است که داده ها مدل نظری پژوهش را حمایت می‌کنند، به‌عبارت دیگر برازش داده‌ها به مدل برقرار است و شاخص ها دلالت بر مطلوبیت مدل معادله ساختاری دارند.

جدول ۷: برآورد اثر متغیر هویت ملی بر سرمایه فرهنگی

Table 7: *Estimation of the Effect of the National Identity Variable on Cultural Capital*

متغیر مستقل	مسیر	متغیر وابسته	ضریب تعیین	ضریب اثر	مقدار بحرانی	سطح معناداری
Independent Variable	*Path*	*Dependent Variable*	*Coefficient of Determination*	*Effect Coefficient*	*Critical Value*	*Sig.*
هویت ملی	<---	سرمایه فرهنگی	۰/۲۱۰	۰/۴۵۹	½	۰/۰۰۱

مقادیر برآورد شده در جدول ۷ بیانگر این است: ۱) متغیر هویت ملی در مجموع ۰/۴۵۹ از واریانس متغیر احساس عدالت اجتماعی را تبیین می‌کند، با مدنظر قرار دادن مقادیر مربوط به حجم اثر شاخص ضریب تعیین این مقدار در حد متوسط (۰/۲۱) برآورد می‌شود، به‌عبارت دیگر متغیر هویت ملی در ابعاد مختلف در حد متوسط توان تبیین واریانس متغیر سرمایه فرهنگی شهروندان را دارد؛ ۲) اثر متغیر هویت ملی بر سرمایه فرهنگی به لحاظ آماری معنادار است. بنابراین فرضیه کلی پژوهش مبنی بر اینکه متغیر هویت ملی بر متغیر سرمایه فرهنگی تأثیر دارد، تأیید می‌شود. با توجه به مقدار ضریب تأثیر می‌توان گفت اثر متغیر هویت ملی بر متغیر سرمایه فرهنگی مثبت، مستقیم و در حد متوسط برآورد می‌شود، به این معنا که افزایش میزان هویت ملی می‌تواند در حد متوسط منجر به تقویت سرمایه فرهنگی شهروندان گردد.

نتیجه‌گیری

همان‌طور که ذکر شد سرمایه فرهنگی تحوّل جوامع بشری منوط به آن بوده است و این فضیلت در وجود انسان به‌عنوان فرد، استقامت و اعتدال را می‌آفریند و در جوامع بشری نیز مولد استقامت، برابری، اعتدال و آزادی است. فقدان این عدالت در اجتماع باعث پیدایش تبعیض، ستم، فساد و عدم وفاق عمومی می‌شود و چنین جامعه‌ای از فضیلت، وفاق و همبستگی فاصله می‌گیرد و به سوی گسست و اضمحلال پیش می‌رود. با توجه به اهمیت بحث از ارتباط بین گرایش به هویت ملی با سرمایه فرهنگی بین شهروندان شهر رشت در پژوهش حاضر که در میان ۳۸۴ نفر از شهروندان شهر رشت به‌عنوان حجم نمونه به انجام رسید، به بررسی ارتباط بین ارتباط بین گرایش به هویت ملی با ابعاد هویت تاریخی، هویت فرهنگی، هویت سیاسی، هویت دینی و هویت سرزمینی به‌عنوان متغیر مستقل و سرمایه فرهنگی به‌عنوان متغیر وابسته پرداخته شد. یافته‌ها حاکی از آن است که بین تمامی ابعاد گرایش به هویت ملی و همچنین میزان کل آن با سرمایه فرهنگی از دیدگاه شهروندان شهر رشت رابطه مثبت و مستقیم و معنادار وجود دارد. در این میان رابطه بین هویت دینی و سرمایه فرهنگی ($P=$ ۰/۴۳) دارای بیشترین ضریب همبستگی و رابطه بین هویت تاریخی و سرمایه فرهنگی دارای کمترین ضریب همبستگی ($P=$۰/۲۳) می باشند.

همچنین رابطه بین بعد هویت فرهنگی ($P=$ ۰/۲۸)، هویت سرزمینی ($P=$۰/۳۲) و هویت سیاسی ($P=$۰/۳۸) با سرمایه فرهنگی از دیدگاه شهروندان شهر رشت دارای ضریب همبستگی مثبت و معنادار می‌باشد. بنابراین می‌توان استدلال کرد که هر چه میزان گرایش به هویت ملی ($P=$ ۰/۳۴) و ابعاد آن بیشتر شود میزان سرمایه فرهنگی بیشتر می‌شود و تمامی فرضیه‌های پژوهش حاضر تأیید می شوند. نتایج حاصل از مدل معادله ساختاری *Smart PLS* نیز نشان می‌دهد که هویت ملی بر سرمایه فرهنگی تأثیر متوسط داشته (۰/۴۵) و متغیر هویت ملی در مجموع ۰/۲۱ از واریانس متغیر سرمایه فرهنگی را تبیین می‌کند. یافته‌های پژوهش حاضر مبنی بر ارتباط بین گرایش به هویت ملی و سرمایه فرهنگی با یافته‌های پژوهش قاسمی و دیگران (۱۳۹۴)، نوابخش و گراوند (۱۳۹۰) و ویلسون (۲۰۱۵) همخوانی دارند. آنها در پژوهش‌های خود همانند پژوهش حاضر به ارتباط بین گرایش به هویت ملی و سرمایه فرهنگی پی بردند.

یافته‌های پژوهش حاضر مبنی بر ارتباط بین گرایش به هویت ملی و سرمایه فرهنگی با تئوری‌های گیدنز، بلومر و راولز همخوانی دارد. هر کدام از نظریه‌پردازان فوق در نظریه‌های خود نشان دادند که گرایش به هویت ملی باعث افزایش سرمایه فرهنگی افراد می‌شود که

تأییدکننده نتایج این پژوهش است؛ بنابراین مشاهده می‌شود که هویت ملی در شهر رشت یکی از منابع مهم افزایش سرمایه فرهنگی است و با افزایش هویت ملی در ابعاد مختلف میزان سرمایه فرهنگی افزایش پیدا می‌کند. مسئله‌ای که باید مسئولان و دست‌اندرکاران در شهر رشت مورد توجه قرار دهند. با توجه به اینکه در شهر رشت اقوام و مذاهب مختلفی زندگی می‌کنند، بنابراین داشتن هویت مشترک می‌توان به مانند یک زبان مشترک ایجادکننده اعتماد، انسجام و مشارکت در میان مردم باشد و در نتیجه سرمایه فرهنگی را ایجاد کند؛ بنابراین تقویت ابعاد مختلف یکی از مهم‌ترین انواع هویت جمعی یعنی هویت ملی، در شهر رشت می‌تواند بر گرایش‌های ملیتی افراد تأثیرگذار باشد و در نتیجه افراد منافع ملی و همچنین فرقه‌ای را فدای منافع ملی کنند. در این صورت وفاق اجتماعی و احساس نزدیکی حاصل از هویت مشترک نه تنها سرمایه فرهنگی را از لحاظ عینی بلکه سرمایه فرهنگی از لحاظ ذهنی را نیز پدید می‌آورد.

References:

Abdollahi, M. (2016). Sociology of Identity Crisis, Research Letter, Issues 2 and 3. (Persian).

Almond, G. A. (1990). The study of Dolitical culture ،in A Disciplin divided: school and sects in political science ،Newbuly park, sage.

Amber, H. (2016). Preserving Cultural Identity in the 21st Century: Challenges to the Emirati Youth, Department of Psychology, UAE University.

Castells, M. (2011). The Information Age: Economy, Society and Culture (Vol. 1, The Emergence of the Network Society). Translated by Ahad Aligholiyan, Afshin Khakbaz, Hassan Chavushian, edited by Ali Paya, Rasht: Tarh-e-No Publications. (Persian).

Chalabi, M. (2016). National identities and their relationship with social identity. Rasht. Rasht: Ministry of Interior. (Persian).

David, O.; Bar-Tal, D. (2009). "A Socio-psychological Conception of Collective Identity: The Case of National Identity as an Example", Pers Soc Psychol Rev 13: 354.

Fabala, D. & et. al. (2017). Media, Gender and Identity: An Introduction, London: Routledge Press.

Furman, G. (2016). "Social Justice Leadership as Praxis: Developing capacities through preparation programs", Educational Administration Quarterly. 48 (2), 191-229.

Ghasemi, A.; Garavand, J.; Farhadi, S. (2015). "Investigating the relationship between the feeling of social justice and the national identity of Kurdish youth (Case study: Qorveh City)", Sociology of Youth Studies: Spring, Vol. 5, Issue 17; pp. 145-162. (Persian).

Gibberna, M. (2019). Nationalism and the Nation-State in the Twentieth Century. Translated by Amir Masoud Ijtihad, Rasht: Ministry of Foreign Affairs Publications. (Persian).

Giddens, A. (2016). Modernity and Individualization, Society and Personal Identity in the Modern Era. Translated by Naser Mofavqian, Rasht: Ney. (Persian).

Heydari Sarban, V. (2018). "Analysis of factors improving the sense of social justice (case study: Ardabil city). Geography and Regional Urban Planning, No. 28, Fall, 91-110. (Persian).

Hezar Jaribi, J. (2011). "Studying the Sense of Social Justice and its Affecting Factors (Case Study of Rasht City)", Applied Sociology, Year 22, Serial No. 43. 41-62. (Persian).

Iman, M. T.; Kizghan, T. (2013). "Investigating the factors affecting women's social identity (Case Study of Women in Shiraz)", Al-Zahra University Humanities Quarterly (S). Year 12, No. 44-45; Winter 2002 and Spring 2003. (Persian).

Jenkins, R. (2012). Social identity, Translated by Touraj Yarahmadi, Rasht: Shiraz Publishing. (Persian).

Lohm, D. (2006). Australianess Amoong what is in Australian? Preception of Young Aduils Raised in on Queter Eastern Suburb of Melbourne, Monash University.

Navaei, M. & et. al. (2013). "The Sense of Justice and its Related Social Factors", Social Welfare, Vol. 13, No. 49. (Persian).

Nawabakhsh, M. & Garavand, J. (2011). "Studying the Effect of the Sense of Social Justice on the National Identity of Sunni and Shiite Citizens of the Kurdish Ethnic Religion", Quarterly Journal of Cultural Studies and Communications, No. 22. (Persian).

Puhakka, A. (2001). A Study of Rawls Theory of International Justice, Master's Thesis, University of Joensuu Faculty of Social Sciences Department of Social Policy.

Sabbagh, S.; Shalforoosh Shatrabani, A. (2010). Investigating the dimensions of identity (global, national, national or national and religious) of high school students and its related factors. Sociological Studies, Volume 1, Issue 1, Winter. (Persian).

Sorek, Tamir; Alin, M. C. (2009). Religiosity, National Identity and Legitimacy: Israel as an Extreme Case. Sociology 43: 477-496.

Wilson, M. (2015). "Education for social justice in rural Nepal: towards an integrated theoretical framework and operational research strategy for supporting intervention", Journal of Philosophy of Education, 2 (6), 112-145.

The Relationship between Tendency towards National Identity and Cultural Capital among the Citizens of Rasht City

Seyed Mousa Raeisi (Ph.D)[1]

DOI: 10.22055/QJSD.2024.20547

Abstract:

Rasht, as one of the important cities in northern Iran, possesses rich cultural characteristics while simultaneously being influenced by the dynamics of modernization and globalization. Given the importance of the discussion around cultural capital, the present study, using field research methods, survey techniques, and a questionnaire as a research tool, seeks to answer the main question: Is there a relationship between the tendency towards national identity and cultural capital among the citizens of Rasht? The statistical population of this research includes all citizens aged 18 and above in Rasht, of whom 384 were selected as the sample size. Data analysis was performed using SPSS software and Smart PLS structural equation modeling. The research results indicate a positive, direct, and significant relationship between the tendency towards national identity (P=0.34) and its indicators-political identity (P=0.38), territorial identity (P=0.32), cultural identity (P=0.28), historical identity (P=0.23), and religious identity (P=0.43)-with cultural capital among the citizens. Therefore, all research hypotheses are confirmed. Furthermore, the results from the structural equation model (Smart PLS) show that the tendency towards national identity has a moderate effect on cultural capital (0.45), and the national identity variable explains a total of 21% of the variance in the cultural capital variable.

Key Concepts: *Identity, National Identity, Cultural Capital, Rasht City*

[1] Department of Humanities, Technical and Vocational University, Tehran, Iran, smraeisi@tvu.ac.ir

© 2019 by the authors. Licensee SCU, Ahvaz, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/).